

مصاحبه آقای پیتر جنینگز مفسر سیاسی و خبرگزار تلویزیون سرتاسری ای بی سی با آقای دکتر ابراهیم یزدی

س ۱- به نظر شما ایران در طی ۱۶ سال گذشته چه تغییراتی کرده است؟

ج - انقلاب بی تردید تغییرات زیادی را موجب شده است. من معتقدم که ایران یک دوره انتقالی تاریخی را تجربه می کند. البته هنوز زود است که نتیجه نهایی انقلاب را جمع بندی کرد. اما چیزهای بسیار خوبی در نتیجه انقلاب اتفاق افتاده است.

س ۲- شما فکر می کنید مولدترین نتیجه انقلاب چیست؟

ج - اگر شما به گذشته تاریخ ایران برگردید ملاحظه خواهید کرد که ساختار قدرت در ایران همیشه دو پایه یا دو محور اصلی داشته است: پادشاه و روحانی. انقلاب (۲۲ بهمن ۵۷) نظام سلطنتی را بکلی را از بین برد. پادشاهی هرگز به ایران برنمی گردد. این یک تغییر تاریخی است. وضعیت دومین پایه قدرت، یعنی روحانیت نیز دچار تغییرات تاریخی است. البته روحانیت از صحنه جامعه ایران محو نخواهد شد. اما در نتیجه تجربه ۱۶ سال حکومت یا سلطنت مستقیم روحانیت، یک تغییر تاریخی در روابط توده های مردم با روحانیت ایران بوجود آمده است.

س ۳- و آن چیست؟

ج - خوب، نوع رابطه آنها با توده های مردم تغییر خواهد کرد. تغییراتی مشابه به آنچه در اروپا و آمریکا صورت گرفت. دیگر آنها قادر نخواهند بود که بهشت و دوزخ را بفروشند و بخرند. بلکه توجهات آنها به دادن خدمات به جامعه معطوف خواهد گردید.

س ۴- من شنیده ام که گفته شده است که در ۵ یا ۱۰ سال گذشته روحانیون کار شایسته و درخوری در فهم

حکومت انجام نداده اند. آیا این درست است؟

ج - آنها نه تنها در فهم مدیریت جامعه کنونی ما مشکل دارند، بلکه در فهم مناسب و روشن نیازهای زمان و مکان شکست خورده اند. آنها سعی دارند با نگرش های قدیمی با مشکلات کنونی برخورد کنند.

س ۵- آیا می توانید برای من مثالی بزنید؟

ج - مشکل مدیریت یک وضعیت اقتصادی بسیار پیچیده در عصر حاضر، به آن سادگی و آسانی که آنها در ۹۰۰ سال پیش فکر می کردند، نیست. سالها قبل از انقلاب، یکی از علمای معروف نجف، که توسط رژیم صدام کشته شد، در کتابی به نام «اقتصاد ما» خطاب به روحانیون گفت اگر شما فکر می کنید سوالات اقتصادی کنونی را با فقه ۹۰۰ سال قدیمی خود جواب بدهید مطلقاً در خطا هستید.

س ۶- من فکر می کنم شما می گوئید که روحانیون واقعیت اقتصاد مدرن را درک نمی کنند.

ج - دقیقاً

س ۷- برای یک آمریکایی کمی عجیب است که بشنود شما از روحانیون انتقاد می کنید و این امر به وضوح

قابل تحمل است.

ج - بله، همین طور است. و شما بیشتر و بیشتر از این نوع انتقادات خواهید شنید.

س ۱- علت؟

ج - به این علت که یکی از پیامدهای نوع نگرشی که بدان اشاره شد فقدان فهم و درک مناسب در روابط اقتصاد کنونی می‌باشد.

س ۹- امروز هنگامی که من از مرد جوانی حدود ۲۰ سال سن، پرسیدم چه چیزی تغییر کرده است، جواب داد که ناکجا آباد سقوط کرده است. به نظر شما منظور او چه بود؟

ج - منظور او شاید جوابی است که بسیاری خواهند داد. مردم از آغاز انقلاب به روحانیون اعتماد فراوان کردند و تجربه نشان داد که آن شهر آرمانی، ناکجا آباد بود و عمل نکرد. اما اگر شما از همان مرد جوان بپرسید که نظر او و برآورد او از انقلاب ۲۲ بهمن چیست، خواهید شنید که او و تعداد قابل توجهی هنوز به آن انقلاب فادار هستند.

س ۱۰- بنابراین ممکن است به انقلابی که صورت گرفته است وفادار بوده حتی اگر آنها که انقلاب را به راه انداختند، کشور را خوب اداره نکرده باشند.

ج - بله، همین طور است. تعداد روزافزونی از مردم، میان انقلاب، اهداف و آرمانهای انقلاب و مدیریت مملکت بعد از انقلاب فرق قائل می‌باشند.

س ۱۱- هنگامی که می‌شنوید یا می‌بینید که آمریکا چه تصویری در ذهنش از ایران دارد چه فکر می‌کنید؟

ج - خوب، من فکر می‌کنم آمریکایی‌ها به میزان قابل توجهی در فهم جامعه، مشکل دارند و این یکی از سوالات اساسی ایرانیان است. ما در ایران چیزی علیه مردم آمریکا نداریم. اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی ایران همان آرمانهای انقلاب مردم آمریکا بود، اگر چه محتوی ممکن است متفاوت باشد. مردم آمریکا برای استقلال خود، علیه استعمار انگلیس قیام کردند یک جنبش مستقل ضد استعماری به راه انداختند. آنها همچنین برای تحقق دموکراسی و آزادی سخت کوشیدند. آزادی و استقلال دو شعار یا دو آرمان عمده انقلاب اسلامی ما بود. ما نمی‌فهمیم چرا آمریکایی‌ها چنین نگرش منفی نسبت به ایرانیان پیدا کرده‌اند. اختلاف میان دولتها عادی است. اما اقدام برای آزار ملت‌ها امر دیگری است. دولت آمریکا مردم ایران را تحت فشار قرار می‌دهد. مردم ایران این را نمی‌فهمند که چرا؟

س ۱۲- در روزنامه (نیویورک تایمز) وزیر امور خارجه آمریکا، وارن کریستوفر، بار دیگر از ایران به عنوان یک دولت یاغی اسم برده است و اینکه منابع اطلاعاتی می‌گویند دولت ایران ۱۰۰ میلیون دلار در سال برای حمایت از تروریسم دولتی هزینه می‌کند. وقتی شما این را می‌خوانید چه فکر می‌کنید؟

ج - به نظر من این وظیفه دولت آمریکا است که آنچه را می‌گوید و ادعا می‌کند، مستند نماید. بعضی از این اتهامات، نظیر انفجار بمب در بوئنوس آیرس، به کلی بی‌اساس است. هنگامی که در طرح سناتور داماتو، که در مجلس نمایندگان و سنای آمریکا مطرح می‌باشد، خواندم که ایران مسئول انفجار در بوئنوس آیرس است تعجب کردم، این اتهام نادرستی است. حتی مسئولین بوئنوس آیرس اعلام کردند که ایران در آن انفجار نقشی نداشته است. به عنوان یک ایرانی وقتی چنین چیزهایی را می‌خوانم به نیت آنها که این طرح را تنظیم کرده‌اند و آنها که چنان تصمیمی (علیه ایران) گرفته‌اند سخت بدبین می‌شوم، به نظر می‌رسد که آنها صرفاً علاقه دارند با هر وسیله‌ای با ایران مقابله کنند. مواردی هم از اعتراض علیه ایران وجود دارد نظیر نقض حقوق بشر در ایران که با آن کاملاً موافقم. هنگامی که آقای گالیندوپل نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران آمد با آقای مهندس بازرگان و من دیدار و گفت‌وگو داشت. ما با صراحت موارد متعدد نقض حقوق بشر در ایران را توضیح دادیم. بنابراین در مورد نقض حقوق بشر مدارک قطعی

وجود دارد. اما در مورد دخالت ایران در تروریسم بین‌المللی دولت آمریکا باید مدارک و مستندات خود را منتشر سازد. ادعای دولت آمریکا مبنی بر صرف مبالغ زیاد برای بمب اتمی یا هسته‌ای توسط دولت ایران نیز تعجب‌آور است. ما می‌خواهیم که دولت آمریکا در این مورد نیز اسناد و مدارک خود را ارائه دهد. در هر حال تصمیم دولت آمریکا علیه ایران به سطحی فراتر از تقابل یا اختلاف میان دو دولت یعنی به درگیری با ملت ایران گسترش یافته است. بنابراین ملت ایران حق دارد از دولت آمریکا بخواهد آن چه را که ادعا می‌کند اثبات نماید.

س ۱۳- آیا شما فکر می‌کنید ایرانیانی باشند که معتقد باشند برای ایران داشتن توان هسته‌ای مهم باشد؟
ج - ممکن است کسانی باشند. نمی‌توان آن را انکار کرد. اما از جانب دیگر کسانی هم هستند که چنین باوری را ندارند و حتی اعتقاد ندارند ایران به سوی نیروگاه هسته‌ای برود. در زمان دولت موقت این یک موضوع جدی بود. برای کشوری که از حیث منابع طبیعی انرژی، نظیر گاز غنی است، تأسیس نیروگاه هسته‌ای بسیار بحث‌برانگیز است. بسیاری از مسئولان دولت موقت، از جمله خود من، مخالف آن بودیم. هنگامی که مسئله ادامه ساختمان نیروگاه اتمی بوشهر در هیئت وزرای دولت موقت مورد بحث قرار گرفت، اکثریت رأی مخالف داد. ما باور نداشتیم که این به نفع ایران باشد. داشتن راکتور اتمی برای تحقیقات علمی و مقاصد پژوهشی ضروری است اما نه نیروگاه هسته‌ای. تکرار می‌کنم اگر کسانی بر این باورند که برای ایران داشتن نیروگاه اتمی ضروری است، در اظهار عقیده خود آزادند. اما آیا دولت ایران به دنبال دستیابی به بمب اتمی است؟ این ادعای دولت آمریکا است که نیاز فراوان به اثبات دارد.

س ۱۴- بنابراین آنچه که شما خواستار آن می‌باشید این است که ارائه دلایل یا مسئولیت اثبات اتهامات علیه دولت ایران در مورد دستیابی به سلاحهای هسته‌ای یا کسب توان مهندسی دستیابی به آن بر عهده دولت آمریکا است.

ج - بله، همین طور است. من در گزارشها خواندم که کمیسیون بین‌المللی انرژی اتمی خیلی صریح اعلام کرده است که آنها هیچ شواهدی دال بر اثبات چنان ادعایی به دست نیاورده‌اند.

س ۱۵- دکتر یزدی، کسانی هستند که معتقدند ایران آخرین قربانی دستگاه سیاسی آمریکا است، شما چه فکر می‌کنید؟

ج- بله، تا حدودی همین طور است.

س ۱۶- و چرا شما فکر می‌کنید که این طور است؟

ج - شاید، همانطور که برژینسکی زمانی گفت، آمریکا نیاز به دشمن دارد. آمریکا نمی‌تواند بدون دشمن به حیات خود ادامه دهد.

س ۱۷- آیا شما از محاصره اقتصادی اخیر شگفت‌زده شدید؟

ج - خیر. تعجب نکردم.

س ۱۸- آیا شما فکر می‌کنید روی ایران اثری خواهد داشت؟

ج- تا حدودی، اما نه خیلی زیاد و نه در حدی که ایران را فلج کند.

س ۱۹- آیا امکان رادیکال کردن ایران را دارد؟

ج - خیر. ایران را رادیکال نمی‌کند. اما بهانه خوبی به دست دولت ایران می‌دهد که فشارهای سیاسی بر مخالفین خود را تشدید نماید.

س ۲۰- فشارهای سیاسی چقدر شدید هستند؟

ج - اگرچه اوضاع کمی بهتر از گذشته شده است و برخی از روزنامه‌ها از عملکرد دولت انتقاد می‌کنند، اما احزاب سیاسی همچنان اجازه فعالیت ندارند. هیچ حزب سیاسی مخالف حاکمیت اجازه و امکان فعالیت ندارد و تحمل نمی‌شود.

س ۲۱- آیا به شما اجازه داده‌اند و شما را تحمل می‌کنند؟

ج - به نهضت آزادی اجازه فعالیت نداده‌اند. بطور بسیار محدود تحمل می‌کنند. مثلاً به شما به عنوان یک خبرنگار خارجی اجازه داده شده است با من صحبت کنید. اما روزنامه‌های ایران از درج هر نوع مطلبی درباره حزب ما «نهضت آزادی ایران» ممنوع می‌باشند، به جز وقتی که بخواهند به ما حمله کنند و تهمت بزنند. روزنامه‌ها اجازه چاپ بیانیه‌های ما را ندارند. روزنامه میزان هنوز توقیف است. ما حق استفاده از دفتر مرکزی حزبمان را نداریم و وزیر کشور مرتب تکرار می‌کند که فعالیت به نام نهضت آزادی غیرقانونی است.

س ۲۲- آیا نهضت غیرقانونی است؟

ج - به نظر ما خیر. ما به آنها جواب داده‌ایم که مواضع آنها یعنی وزارت کشور، خلاف قانون است. به موجب قانون اساسی و قانون فعالیت احزاب سیاسی، فعالیت نهضت آزادی قانونی است.

س ۲۳- ممکن است شرح بدهید که حزب شما خواستار انجام چه چیزی است؟

ج - اصول مصرح در فصل سوم قانون اساسی، به وضوح حقوق و آزادی‌های اساسی مردم را بیان کرده است. این اصول می‌باید اجرا شوند، تحقق یابند و از آنها تبعیت شود.

س ۲۴- شما چگونه می‌خواهید وضعیت کنونی را تغییر بدهید؟

ج - بسیج مردم برای مبارزه سیاسی علنی، به منظور تامین آزادی‌های سیاسی، اجازه به روزنامه و گروه‌ها و احزاب سیاسی، برای بحث آزاد مشکلات مملکت.

س ۲۵- من ممکن است احتمالاً بد فهمیده باشم. اما ظاهراً یکی از معماهای پرزیدنت رفسنجانی این است که او

مجلسی دارد نظیر کنگره و سنای آقای کلینتون در آمریکا. آیا شما فکر می‌کنید این مقایسه درستی است؟

ج - خوب، مجلس ایران را خود ایشان ساخته است.

س ۲۶- دقیقاً چه اختلاف اساسی میان آنها وجود دارد؟

ج - ببینید بدون حضور فعال احزاب سیاسی، انتخابات آزاد و دموکراتیک معنی ندارد. مشکل این است که افراد به صفت مشخصی کاندیدای نمایندگی مجلس می‌شوند. این افراد بر حسب اولویت‌های فردی و منافع شخصی خود از یک قطب قدرت می‌برند و به قطب دیگر قدرت پیوند می‌خورند. این حتی برای دولت هم ایجاد مشکل می‌کند. کسی نمی‌تواند پیش‌بینی کند که مثلاً فلان وزیر یا عضو مجلس چه موضعی خواهد داشت. این امر با مشکل آقای کلینتون فرق دارد.

س ۲۷- یک مثال بزنید که این امر درباره یک موضوع خاص چگونه عمل می‌کند. آیا اگر آقای رفسنجانی

می‌خواهد یک خط خاصی را در اقتصاد پیاده کند، و اقتصاد را باز کند، آیا می‌تواند با این مجلس این کار را بکند؟

ج - نه نمی‌تواند.

س ۲۸- چرا؟

ج - برای اینکه هیچ بحث معناداری در سطح مجلس و نه در خارج از مجلس صورت نمی‌گیرد.

س ۲۹- بنابراین چه دلیلی برای داشتن مجلس در ایران وجود دارد؟

- ج - واقعیت این است که مردم فکر می‌کنند این مجلس نقش خود را از دست داده است.
- س ۳۰- اگر شما در وضعی باشید که بتوانید تغییراتی بدهید و حزب شما در وضعیتی بود که می‌توانست اثری بگذارد، شما چه می‌خواستید و در مرحله اول چه تغییراتی می‌دادید؟
- ج - در مرحله اول، حزب ما، هر کار ممکن را انجام می‌داد تا آرمان نخستین انقلاب، یعنی آزادیهای سیاسی تحقق پذیرد. این یک موضوع کلیدی در کشور ما می‌باشد.
- س ۳۱- بنابراین شما برای تکثر سیاسی تلاش می‌کنید؟
- ج - همین طور است.
- س ۳۲- سیستم چندحزبی؟
- ج - دقیقاً
- س ۳۳- انتخابات آزاد و باز؟
- ج - دقیقاً
- س ۳۴- احتمال آن چقدر است؟
- ج - نمی‌دانم، در حال حاضر خیلی کم.
- س ۳۵- ضعیف؟
- ج - بله
- س ۳۶- چرا؟
- ج - برای اینکه، آنها، یعنی حاکمیت و مسئولان هنوز آماده برای قبول و تحمل مخالفین نیستند. آنها ممکن است مخالفت فردی برخی از افراد را تحمل کنند، اما نه گروههای سیاسی مخالف را.
- س ۳۷- وقتی شما می‌گویید، آنها و حکومت، آیا منظور شما روحانیون هستند؟
- ج - من درباره کل حاکمیت، مقامات مسئول صحبت می‌کنم. همه آنها، چه روحانی، چه غیرروحانی، همه آنهایی که اداره امور کشور را در دست دارند. آنها هنوز به این جمع‌بندی نرسیده‌اند که ارزش وجود و فعالیت مخالفین را بپذیرند. به نوعی درک کرده‌اند که حضور مخالف اهمیت دارد. نظیر اینکه به شما اجازه مصاحبه با مرا می‌دهند. اما از جهت داخلی هنوز آمادگی پرداخت بهای آن را ندارند. آنها ارزش مخالف را پی برده‌اند اما هنوز حاضر به پرداختن بهای آن نیستند.
- س ۳۸- به عبارت رک و صریح، مصاحبه بین من با شما اثری در داخل ایران ندارد. آیا دارد؟
- ج - خیر. ندارد.
- س ۳۹- بنابراین مصاحبه من با شما برای آنها قابل قبول است. چرا که تاثیری در داخل ایران نمی‌گذارد.
- ج - بله همین طور است. اما همین واقعیت که آنها اجازه می‌دهند شما با من مصاحبه کنید حاکی از آن است که به ارزش یک حزب مخالف پی برده‌اند و می‌توانند به این وسیله به جهان خارج نشان بدهند که آزادی‌های سیاسی در ایران وجود دارد.
- س ۴۰- بنابراین مصاحبه ما نوعی تبلیغات است؟
- ج - اما آنها تا آنجا که به داخل کشور مربوط می‌شود، حاضر به پرداخت بهای آن یعنی دادن آزادی، نیستند.
- س ۴۱- قدرت مسلط از چه چیزی می‌ترسد؟ آیا می‌ترسد قدرت خود را از دست بدهد؟

ج - به وضوح این نگرانی هر قدرت است که مبدا قدرتش را از دست بدهد!

س ۴۲- آیا شما بر این باورید که اگر تکثر سیاسی در ایران باشد و احزاب سیاسی مخالف آزاد

بودند، قدرت به نحوی تغییر پیدا خواهد کرد؟

ج - من فکر می‌کنم نگرانی آنها بی‌اساس باشد. اگر کسی به دقت ساختار اجتماعی جامعه را بررسی کند، با وجود آن که تجربه بعد از انقلاب برای اکثریت مردم بسیار تلخ است، اما در یک انتخابات آزاد، که مه احزاب سیاسی هم شرکت کنند، آنها، «حاکمیت»، هنوز اکثریت مجلس را خواهند داشت. حاکمیت نیز خود چنین ادعایی را دارد. احتجاج عمده ما با حاکمیت کنونی هم این است که پس چرا می‌ترسید؟ شما هنوز اکثریت را دارید. البته من نمی‌توانم آینده را تعیین کنم. اما اگر حاکمیت رویه کنونی را ادامه دهد، ممکن است همه چیز را از دست بدهد. در واقع ما به آنها می‌گوییم اشتباه شاه را تکرار نکنید. شاه زمانی اعلام کرد که مردم صدای انقلاب شما را شنیدم، که دیگر بسیار دیر شده بود. اگر امروز حاکمیت این نظر را بپذیرد و فعالیت احزاب سیاسی مخالف را تحمل کند، اصول مصرحه در قانون اساسی را به اجرا بگذارد، من فکر می‌کنم، ممکن است در یک انتخابات آزاد قدرت را از دست بدهد اما به عنوان یک نیروی سیاسی مهم و تعیین‌کننده باقی خواهد ماند.

س ۴۳- آیا شما فکر می‌کنید دوره آیت‌الله خمینی در ایران به سر آمده است؟

عصر او ممکن است به پایان رسیده باشد، اما شخصیت او، جذابیت یا (کاریزمائی) او در میان بخش قابل توجهی از مردم ایران هنوز باقی است.

س ۴۴- به همان اندازه که من می‌دانم، شما هم می‌دانید که اگر واژه کاریزما با نام آیت‌الله خمینی به کار برود،

آمریکایی‌ها قادر به درک شما نخواهند بود.

ج - بله، ممکن است حق به جانب شما باشد. اما به هر حال آیت‌الله خمینی یک رهبر کاریزماتیک بود.

س ۴۵- و بنابراین ...؟

ج - ممکن است من با برخی از تصمیمات او موافق نبودم، با برخی از سیاست‌های او موافق نباشم. اما این مطلب جداگانه‌ای است. شخصیت او، در نظر بسیاری به آن گونه است که علیرغم تمام حوادث، ممکن است هنوز هم او را دوست داشته باشند.

س ۴۶- اما دوره نفوذ او به سر آمده است؟

ج - بله، البته هنوز تمام نشده است.

س ۴۷- وضع دوره رفسنجانی چطور؟

ج - او هنوز یک سال و نیم برای کاری که بخواهد انجام بدهد، فرصت دارد.

س ۴۸- به این علت که بر طبق قانون اساسی نمی‌تواند یک دوره دیگر کاندید شود؟

ج - بله، او نمی‌تواند بار دیگر کاندیدا شود.

س ۴۹- مگر آنکه قانون اساسی را تغییر بدهد.

ج - احتمال آن بسیار ضعیف است.

س ۵۰- ضعیف؟

ج - بله.

س ۵۱- هنگامی که دولت کلینتون محاصره کامل اقتصادی علیه ایران را به اجرا بگذارد آیا این به نفع

رفسنجانی تمام خواهد شد؟

ج - نه به نفع و نه به ضرر اوست. اگر چه کسانی هستند که می‌گویند این محاصره به نفع رفسنجانی است، یا نگران آن هستند که دولت ایران همان‌طور که گفتم، آن را بهانه‌ای برای تشدید فشار سیاسی در داخل ایران قرار دهد.

س ۵۲- من شنیدم که دولت آمریکا فرصت بزرگی را در دولت رفسنجانی برای عادی کردن روابط دو کشور از دست داد. نظر شما چیست؟

ج - بله. ممکن است. اما مشکل فقط در دولت آمریکا نیست. آقای رفسنجانی، در قانع کردن برخی از نیروها به ضرورت برقراری رابطه با آمریکا دچار مشکل است.

س ۵۳- آیا شما فکر می‌کنید برقراری رابطه ضروری است؟

ج - من نگفتم که ضروری است بلکه می‌گویم آقای رفسنجانی نتوانسته است مخالفین برقراری روابط را به ضرورت داشتن روابط با آمریکا قانع سازد.

س ۵۴- آیا شما فکر می‌کنید اکثریت ایرانیانی که صاحب نفوذ یا قدرت هستند در مورد این رابطه چه نظری داشته باشند؟

ج - اکثریت مردم موافق عادی کردن روابط خارجی با همه کشورها، به جز اسرائیل بر پایه منافع می‌باشند.

س ۵۵- آیا شما فکر می‌کنید که به نفع منافع ملی ایران است که روابط سازنده‌ای با ایالات متحده داشته باشند؟

ج - به نظر من همین‌طور است. به شرطی که مردم آزادی‌های سیاسی مناسب را داشته باشند. این ترس و نگرانی وجود دارد که به علت فقدان آزادی‌های سیاسی، توافقی‌ها با آمریکایی‌ها بکنند که مطابق منافع و مصالح ملی ما نباشد و مردم از آن بی‌خبر بمانند.

س ۵۶- آیا شما می‌گویید آنچه در مورد آزادی‌های سیاسی در ایران اتفاق می‌افتد، به مراتب مهمتر است از روابط با آمریکا؟

ج - دقیقاً

س ۵۷- شما به اندازه کافی مسن و عاقل هستید که بتوانید پیش‌بینی کنید که آیا این تکرر سیاسی که خواهان آن هستید، در ایران تحقق پیدا خواهد کرد یا خیر؟

ج - صورت خواهد گرفت. چه حاکمیت آن را دوست داشته باشد یا نداشته باشد. این چیزی است که از دوران انقلاب، از سرشت و طبیعت آن برمی‌خیزد و غیرقابل اجتناب است.

س ۵۸- اسال، ۲ سال، یا ۵ سال - ۱۰ سال؟

ج - من نمی‌توانم زمان آن را پیش‌بینی کنم. اما می‌دانم این یک داروی تلخی است که حاکمیت دیر یا زود می‌بایستی آن را بلع کند. راه دیگری وجود ندارد.

س ۵۹- آیا این، در نظر شما به این معنا است که تئوکراسی یا دولت تئوکرات ناموفق موفق بوده است؟

ج - من این حکومت را تئوکراتیک (حکومت الهی) نمی‌دانم. این حکومت نه دموکراتیک است و نه تئوکراتیک. بلکه هیدروکراتیک (حکومت روحانیون) است.

س ۶۰- بی‌تردید خواست انقلاب استقرار یک دولت تئوکراتیک بود؟

ج - هدف انقلاب استقرار جمهوری اسلامی بر اساس تعریف نوشته شده در قانون اساسی بود.

س ۶۱- بنا بر این، این فهم (از حکومت) خطای ما در غرب است؟

ج - شما هم همان اشتباه در فهم حکومت فعلی را دارید که روحانیون دارند. آنها می‌گویند نمایندگان

خدا هستند. روحانیون مساوی با اسلام و مساوی با حکومت خدا (تئوکراسی) هستند. شما هم همین فکر نادرست را تکرار می‌کنید. ملت ما این را نمی‌خواست. بلکه یک جمهوری اسلامی می‌خواست و چون تعریف درستی از جمهوری اسلامی که مورد قبول عموم باشد وجود نداشت، پیش‌نویس قانون اساسی جدید تهیه شد و جمهوری اسلامی بر طبق اصول مندرج در آن تعریف شد.

س ۶۲- آیا کار می‌کند؟

ج - قانون اساسی اولیه؟

س ۶۳- آیا کار می‌کند؟

ج - اشکال تنها ناشی از تعارض در قانون اساسی نیست. بلکه عمدتاً ناشی از کسانی است که می‌بایستی آن را اجرا کنند. اشکال در بازی قدرت است.

س ۶۴- و شما قادر به پیش‌بینی این که تغییرات چه زمانی پدیدار خواهد شد، نیستید؟

ج - من تنها می‌توانم امید داشته باشم و بکوشم تا امیدهایم تحقق یابد. فکر می‌کنم انتخابات مجلس آینده ایران می‌تواند فرصت تعیین‌کننده‌ای برای ملت ما باشد.

س ۶۵- می‌خواهم یک سوال فنی از شما بکنم. آیا ایران می‌تواند فتوائی را که در حال حاضر درباره سلمان رشدی وجود دارد تغییر بدهد؟

ج - برای من مشکل است که بتوانم اقدامات حکومت را پیش‌بینی نمایم.

س ۶۶- من شنیدم که چون فتوا از جانب آیت‌الله خمینی صادر شده است، نمی‌توان آن را تغییر داد. مجازات قتل سلمان رشدی باید باقی بماند. اما می‌توان آن را نادیده گرفت. آیا این یک سیاست عملی در جریان کار سیاسی است؟

ج - دقیقاً. آقای رفسنجانی همین حرف را، خیلی روشن، زده است که آن فتوایی است توسط کسی که دیگر در دسترس نیست که در آن تجدیدنظر نماید. بنابراین حکومت ایران نمی‌تواند کاری برای نفی یا لغو آن انجام دهد. تنها راه عملی نادیده گرفتن آن است.

بخش روابط عمومی نهضت آزادی ایران

یازدهم مردادماه ۱۳۷۴